

مقاله پژوهشی

واکاوی نقش نمادین آئینه در فرهنگ ایران و ژاپن به عنوان ابزار زیست صلح آمیز و روشنایی بخشی

زهره سادات شمشیرگران^۱، پرنیان شکاری^{۲*}

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران

۲. گروه موزه و گردشگری، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

چکیده

اشیای موجود در جهان دارای فرم، ساختار و معنایی هستند که بر تفکر، تخیل، رویا، عواطف و کنش‌های انسان نسبت به خویش و جهان پیرامون، اثر گذارند. دست‌سازهای بشر از دیرباز، نقش مؤثری در شکل‌گیری باورهای او داشته‌اند. تعدادی از آن‌ها جنبه نمادین پیدا کرده و به آیین‌ها و مراسم راه یافته‌اند. از آنجاکه هر شخص آگاه و سازنده در فرایند درک و دریافت این موضوع، به دنبال برقراری ارتباط با سویه‌های مختلف اشیا است، علامت یا نمادی را برای دریافت‌کننده طرح می‌کند تا او را به درک معنای پنهان یا خودساخته روایت آن شیء برساند و رابطه‌ای مفهومی برقرار شود. پژوهندگان با این پیش‌فرض و هدف که برخی از این اشیا به عنوان ابزارهای آیینی، نقش بارزی در روابط میان انسان‌ها دارد و خواهند داشت؛ دیرینه‌ساختی مانند «آئینه» را با توجه به همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آن در باورهای آیینی و عامیانه دو فرهنگ غنی ایران و ژاپن، به عنوان یک شیء ارزشی و نمادین برای ارتقای روابط دوستانه میان ملت‌ها با روش توصیفی تحلیلی بررسی کردند. آئینه در باور معنوی و قدسی ایرانی-اسلامی نمادی از قلب انسان و انعکاس صفات جمالی و جلالی خالق و نمادی دوگانه از نیک/بداختری است. این شیء ارزشی در باورهای ژاپنی نیز نمادی مقدس و نشان‌دهنده حکمت، صداقت و حقیقت است که بر عدالت و بی‌طرفی اراده الهی دلالت دارد. یافته‌ها نشان داد آئینه می‌تواند به عنوان یک تحفه ارزشی نمادین با پیام روشنایی، صداقت، خرد و صلح جهانی برای ارتقای روابط عمیق‌تر میان ملت‌ها معرفی و به کار برده شود.

واژگان کلیدی: نماد، آئینه، باورمندی، روابط ملت‌ها، ایران و ژاپن.

مقدمه

«چه ارتباط معناداری میان نمادینگی آئینه در دو فرهنگ ایران و ژاپن وجود دارد که می‌تواند در تقویت و ارتقای روابط فرهنگی دو ملت مؤثر باشد؟»، به جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد برای دستیابی به مفاهیم مشترک این ابزار در دو فرهنگ ایران و ژاپن پرداختند تا بتوان با نگاهی نو و کاربردی از ابزارهای دیرینه ساختی همچون آئینه به عنوان یک شیء ارزشی با پیام نمادین صلح و دوستی، روشنایی بخشی، ارتقا و تقویت روابط فرهنگی میان ملل بهره برد.

پیشینه و ضرورت پژوهش

آئینه از جهات مختلف، یک ابزار ضروری و مهم در زندگی بشر بوده است؛ اما تاکنون مطالعات گسترده‌ای در زمینه آن به عنوان یک ابزار ارزشی و نمادین برای تقویت و ارتقای روابط میان ملت‌ها به صورت تخصصی انجام شده است. در چند منبع به آئینه از نظر واژگانی، ساختاری، هنری، نمادین در متون ادبی و همچنین

نمادها، بازتاب کهن‌الگوهایی^۱ هستند که ریشه در اساطیر فرازیست بشر دارند. نشانی رمزی از خویشکاری‌های انسان با خود، طبیعت و دیگری که در تلفیق آداب و رسوم و باورمندی‌های او به عنوان فرهنگ، هنر، فلسفه، ادبیات و... بازنمایی شده‌اند. «اساطیر و نمادها... جواب نیاز انسانند و وظیفه آشکارگی پنهان‌ترین ویژگی وجود را به عهده دارند» (Eliade, 1991/2014, 13). نگاه کنجکاوانه انسان به طبیعت با توجه به تلاش او برای زنده ماندن باعث اختراعات و کشفیات مختلف و منجر به ساخت ابزاری برای رفاه و آسودگی بیشتر و گاه آسیب او نیز شد. این ابزار روابط فردی و جمعی او را شکل داد و اغلب به صورت نمادین وارد زندگی روزمره و آیین‌ها و مراسم شد. بر همین اساس پژوهندگان برای رسیدن به پاسخ دو پرسش این پژوهش؛ «چگونه ابزاری مانند آئینه به عنوان یک شیء ارزشی نمادین می‌تواند در استحکام و ارتقای بنیان روابط فرهنگی میان ملت‌ها تأثیر داشته باشد؟» و

* نویسنده مسئول: p.arnianshekari@yahoo.com ۰۹۰۵۶۹۸۸۶۲۹

روش پژوهش

پژوهندگان با این فرض که برخی از دیرینه ساخت‌های بشر، نقش بارزی را در ایجاد روابط میان افراد داشته‌اند، برای پاسخ به این مسئله که چگونه می‌توان از آن‌ها، به‌عنوان یک شیء ارزشی نمادین در روابط صلح‌آمیز و ارتقای تفاهم و تقویت نقاط مشترک فرهنگی ملل بهره‌مند شد با روش توصیفی-تحلیلی به نقش «آیین»، در باورمندی‌های دو فرهنگ ایران و ژاپن پرداخته‌اند و در نهایت با استفاده از ابزار MAXQDA مفاهیم و معناهای این ابزار در دو فرهنگ ایران و ژاپن را به دست آوردند.

مبانی نظری

• اسطوره، نماد

اسطوره، روایت قدسی از «آغازین» بی‌زمان و بی‌مکان است که به شکل کهن‌الگوهای نخستین با زبانی رمزی در زندگی روزمره بشر در پوشش «نماد» جاری است تا خاطره اساطیری خود مقدسش را از یاد نبرد و دوباره بتواند زمان مقدس را که این رویدادها در آن انجام‌شده، واقعیت بخشد (Eliade, 1991/2014, 63). همان‌طور که مولر، اسطوره را به‌مثابه زبان تصویری بدوی پدیده‌های طبیعی نیروهای آسمانی و نیز جلوه‌ای از نیروهای زمینی در منابع هند و اروپایی می‌داند (Esmailpour Motlagh, 2020, 46)، یونگ (Jung, 1964/1998, 95) نیز این بازخوانی از اساطیر و تصاویر ابتدایی را بیان نمادین دنیای تخیل و ذات کهن او معرفی کرد که منشور و الگویی برای خویشکاری‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و کمال‌خواهی‌های انسان ره‌اشده در زمین بوده و باورهای زیست‌این-آن جهانی او را از آغاز تاکنون تبیین کرده است. اسطوره‌ها ازلی، واحد و جهانی هستند و کهن‌الگوها بروز عواطف، غرایز، بن‌مایه‌ها، نشانه‌ها و مضمون‌های مشترک در داده‌های ناخودآگاه جمعی بشرند و در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان و به شکل نمادین بازتاب دارند.

هر نماد، سمبلی از یک کهن‌روایت است که به شکل علامت، اشاره، واژه، ترکیب، عبارت [و ابزاری] به وراي معنا و مفهوم ظاهری دلالت دارد (Pournamdarian, 2010, 4). این نمادها، اغلب به دو صورت به آن‌ها وسعت معنایی می‌بخشند؛ یا مقدسند یا یادبودی. نمادهای یادبودی مانند کوه، پرنده، آسمان، واقعه و... رویدادی واقعی را به خاطر می‌آورند و نمادهای قدسی برگرفته از اساطیر و حاضر در آیین‌ها هستند (Anuse, 1996, 190). برخی، به مرور زمان از بستر اساطیری خود خارج و... در آداب‌ورسوم کنونی حضور و کاربرد دارند و به نمادهای چند معنایی تبدیل شده‌اند. یکی از این ابزارهای نمادین و ارزشمند با تراگونگی اساطیری-آیینی-تاریخی «آیین» است که به‌دلیل خصوصیت چندسویه در روی، پشت، عمق و آن‌چه در آن ناپیدا و پیداست، جلوه‌ای اسرارآمیز در باورمندی‌های مختلف با قابلیت بهره‌برداری فرهنگی دارد. اگرچه در نگاه کلی به انسان و جهان، مرزبندی‌های

جایگاه هنری و فرهنگی آن در آیین‌های معماری و سنتی، تصاویر هندسی و در نقاشی‌ها و... پرداخته شده است. در فرهنگ بزرگ دهخدا (Dehkhoda, 1998) برای آیین و تاریخچه و انواع آن توضیحاتی داده شده که مورد توجه این پژوهش بوده است. محمدحسین سمسار (۱۳۴۲) در پژوهش‌های مختلف خود مانند آینه و سرگذشت آن به پیشینه و بررسی آن پرداخته است. گوستاو یونگ (Jung, 1964/1998) در «انسان و سمبولهایش» اشاره‌هایی به نمادهایی مانند آینه نقش آن‌ها دارد. جیمز هال (Hall, 1974/2024) در «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب»، به ابزار مختلف آیینی و سمبولیک در زندگی انسان اشاره کرده است.

گیرشمن (Ghirshman, 1976/1993)، انوری و محمدلی (۱۳۸۲) و واندنبرگ (Vanden Berghe, 1959/2012) به اشیای کشف‌شده در تپه‌های باستانی ایران از جمله آینه پرداخته‌اند. کریستین سن (Christensen, 1918/2006) نقش آینه در میان کیمیاگران و خرافات عامیانه مردم ایران را در «فراسوی دریای خزر» با ترجمه منیژه احمدزادگان آهنی بررسی کرد. شوالیه و گربران (Chevalier & Gheerbrant, 1969/2005) در «فرهنگ نمادها» ترجمه سودابه فضایی به آیین به‌عنوان ابزاری نمادین پرداخته و نقل قول‌های فراوانی از بزرگان... نقل کرده‌اند.

الیاده (Eliade, 1991/2014) در «تصاویر و نمادها» با ترجمه کاظم مهاجر به نقش نمادها و دست‌سازهای سمبولیک اشاره کرده است. میرزایی و مافی تبار (۱۴۰۲) با استناد به دانشنامه‌ها به «بازیابی مفهوم نمادین آینه در فرهنگ عامه ایران» پرداخته‌اند که مورد توجه این پژوهش نیز بودند. در ارتباط به حضور و تأثیر آینه در فرهنگ ژاپن، یادداشت‌های هلن گاردنر (Gardner, 1986/2012) در «هنر در گذر زمان» با ترجمه محمدنقی فرامرزی و «دانشنامه هنر ژاپن» اثر پاشایی (Pashaei, 2020) و «اساطیر ژاپن» اثر پیگوت (Piggott, 1969/2022) که ضمن بررسی نمادها، اسطوره‌ها و آیین‌های مختلف ژاپن به نقش و حضور آیین اشاره کرده‌اند. «ژاپن قدیم» ناردو دان (Nardo, 1995/2022) با ترجمه پریسا صیادی و «کوایدان حکایات اشباح» اثر هرن (Hearn, 2004/2016) با ترجمه زهرا نی‌چین از دیگر آثاری هستند که به آن‌ها برای نقش و کاربرد آیین در روایات ژاپنی مراجعه شد. اگرچه این آثار، همسانی‌هایی با این جستار داشتند و راهگشای آن بودند؛ اما به موضوع و هدف اصلی مورد نظر این پژوهش نزدیک نبودند. این دلیل که آینه با پیشینه رمزی-کاربردی خود، می‌تواند حیاتی دوباره و بازتابی نو در وضعیت معاصر با پیام‌های مشترک جهانی داشته باشد و بررسی نقش نمادین آن نه‌تنها در دو فرهنگ ایران و ژاپن بلکه در روابط مختلف با دیگر ملل، به‌عنوان شاهد مثالی برای رسیدن به مفاهیم کاربردی تازه از این دستاورد خلاقانه، ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب کرد.

عذر است (Hall, 1974/2024, 5).

آینه با دو کارکرد مثبت و منفی از یک سو مظهر عیوبی مانند غرور و شهوت و با جادوگری (سیاه) ارتباط دارد و از سوی دیگر مظهر روح زندگی، خرد و انعکاس نور الوهیت است و با عناصری مانند مردگان، خورشید و نقاب، خوشه معنایی خود را می‌سازد. در تفکر عرفانی، «با دگردیسی معنایی نمادهای اساطیری به سمبلی از قلب عارف و انسان کامل تبدیل شده است» (Ameri & Panahi, 2015, 145). ارتباط الوهیت با روح آن را به سمبلی از آینه تبدیل می‌کند تا بتواند شخص را به خرد و حقیقت برساند و قلب او را پاکیزه کند و از آن طریق سالک بتواند، اندکی از آگاهی کل همه دانش‌ها را کسب و به درون روح نگاه کند (Hall, 1974/2024, 5). این مفهوم توسط غزالی، ابن عربی، سهروردی (Suhrawardi, 2014)، عطار (Attar Neishabouri, 2008) و مولوی (Rumi, 2005) و ... وارد اندیشه و متون عرفانی فارسی شد به این صورت که کدورت «جسم» مانند پشت آینه و سطح صیقلی آن، «روح» قلمداد شد و آن فیض بی‌واسطه را از حق تعالی دریافت می‌کند و چون آینه‌ای منعکس می‌سازد (بهنام‌فر، ۱۳۸۷، ۱۲۲).

یونگ، نقش آینه را در تقابل با نقاب می‌داند. از یک سو، نقاب هر شخص را کنار می‌زند و خود واقعی او را به خودش نشان می‌دهد و از سوی دیگر کمک می‌کند او به خود نقاب بزند تا دیگران خود واقعی او را نبینند (Bilsker, 2002/2020, 66). در افسانه‌ها و باورهای مردمی، بازتابی دوگانه از تقدس و خرافه دارد مانند آینه «سفید برفی» که نماد صداقت و راستی یا آینه «بی‌بی مریم» که هنوز هم در مناطقی از ایران، افغانستان و پاکستان برای خوش‌یمنی در انتهای تالار عروسی بر دیوار نصب می‌شود (Chevalier & Gheerbrant, 1969/2005, 332). در ادامه به نقش نمادین آینه در دو فرهنگ ایران و ژاپن به‌عنوان شاهد مثالی برای رسیدن به مفاهیم کاربردی تازه، پرداخته شده است.

جلوه‌های آینه در ایران

آینه در ایران یک شیء چندوجهی است که ارتباط پیدا و پنهانی با گذشته و حال انسان دارد که به مرور، وارد هنر، ادبیات، مذهب، عرفان و باورهای فولکلور شد و رنگ تقدس و نمادین گرفت که نه تنها با خورشید؛ بلکه با روح و قلب و انسان کامل پیوند یافت (سجادی، ۱۴۰۱، ۴۵). در جدول ۱ به اجمال، پیوند اسطوره‌ای آن به‌عنوان یک شیء ارزشی با خوشه معنایی تن، روان، فره و جان از یک سو و ارتباط نمادین آن با باورهای مختلف از دیگر سو، بررسی شده است.

این موارد و بسیاری دیگر که در باورهای مختلف مردم ایران باقی مانده و هنوز هم استفاده می‌شود، ریشه در یک روایت واحد به نام «اهمیت و ارزش آینه» از گذشته تاکنون دارد.

فرهنگی، اجتماعی، قومی، رنگی و جنسیتی از تمدن‌های ثبت و باورمندی‌های آن‌ها برداشته می‌شود؛ اما باید در نظر داشت «رخدادهای خاص هر جامعه، بر رفتار و هنجار دیگر جوامع نیز تأثیر می‌گذارد و وابستگی متقابل اجتماعی درون کشوری موجب به‌وجود آمدن حلقه اتصال و تأثیر در تصمیم‌گیرندگان داخلی و بین‌المللی می‌شود» (بهمنی و صفاران، ۱۳۸۹، ۱۱ و ۱۲) که می‌تواند نقشی کاربردی در روابط میان فرهنگی ملت‌ها داشته باشد.

• آینه، باورمندی، روابط ملل

آینه، واژه‌ای پهلوی با دو شکل آینک و آیینک (Ayenak و Ayinak) در معنای آیین (رسوم، آداب و طریق) است (Dehkhoda, 1998, 268). در نخستین کتاب پهلوی، آمده که هر مزد «مردم را به پنج بخش فراز آفرید: تن، جان، روان، آینه و فروهر. تن، آنکه [...] آینه، آنکه به خورشید پایه ایستد...» (Dadegi, 2011, 48) که در بیشتر تمدن‌ها، ابزار اشراق، روشنگری پاک، نماد فرزندی و آگاهی بوده است. گفته‌اند فیثاغورث «یک آینه جادو داشت و قبل از تغال مانند جادوگران آن را مقابل ماه قرار می‌داد. استفاده از آینه جادو نوع ساده‌ای از احضار ارواح و اشباحی بود که در آن منعکس می‌شدند ولی هنوز موجود نشده بودند یا عملی را نشان می‌دادند که می‌بایست در آینده انجام شود» (Chevalier & Gheerbrant, 1969/2005, 328). آینه، در آیین بودایی، ابزاری برای انتقال حکمت و تعلیم اسرار الهی است. هوش ملکوتی به شکل نمادین همزاد با خورشید و نماد ماه است و نور خورشید را در خود منعکس می‌کند. در تفکر چینی دارای «جوهر حیاتی آفرینش» است و باور داشتند آینه نه تنها مقدس و دورکننده ارواح خبیث است بلکه می‌تواند اندام‌های داخلی بدن را نشان دهد. شمن‌های آسیای میانه، تغال با آینه را از طریق حرکت آن در مقابل خورشید یا ماه انجام می‌دهند؛ به گمان آن‌ها خورشید یا ماه، دو آینه‌اند و آنچه را روی زمین می‌گذرد منعکس می‌کنند (ibid., 325-329). بسیاری از کیمیاگران باور داشتند «روانی که خود را در آینه سحرآمیز می‌دید، آلودگی خود را باز می‌شناسد و خود را از همه لکه‌ها و سایه‌ها پاک می‌کند [...] خود، روح می‌شود» (Christensen, 1918/2006, 461). این تفکر درباره آینه صیقل‌یافته جادویی و پیشگو از طریق افسانه‌ها به باورهای عامیانه ملل امروزی نیز نفوذ یافت (Lang, 2007/2010). برخی اختراع آینه را به اسکندر مربوط می‌دانند و در افسانه‌های تاریخی، وی برای آگاهی از شورش بیگانگان فانوسی در ساحل مقدونیه بنا کرد و بر بالای آن آینه‌ای از حکمت و فلسفه ساخت. از این آینه مفهوم دوراندیشی و جهان‌نگری برگرفته شد که در ادبیات فارسی به جام‌جم و آینه جهان‌نما نیز نسبت داده شد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۶۵). در ژاپن نیز آینه‌ای به نام «اتهام» وجود داشته که حقیقت را منعکس و گناهان را آشکار می‌کرده است (شجاعی، ۱۳۹۶، ۱۰). در سنت مسیحی، نماد بکرزایی و مریم

جدول ۱. برخی از مفاهیم نمادین و کاربردی آینه در ایران. مأخذ: نگارندگان.

نمادینگی	خوشه معنایی
اسطوره و باورهای کهن	از اساطیری مانند آفرینش آن گاه که «کیومرث به هنگام مرگ، نطفه خود را رها می کند و به وسیله خورشید پالوده می شود» (Christensen, 1918/2006, 22) وارد زندگی بشر شد و در متون کهن پهلوی یکی از بخش های اصلی وجود انسان و در پیوند مستقیم با خورشید است. بخش درونی که تا زمان زنده بودن با اوست و بعد از مرگ... به خورشید می پیوندد. در افسانه جمشید، جامی جهان ناست؛ وقتی که هرمزد آن را برای آبادانی جهان همراه با چند شیء اسرارآمیز به او می دهد (Dadegi, 2011, 48). این جام خاصیت جادویی و انعکاس دهنده حقایق داشت و به باور شیخ اشراق، این جام گیتی نما، مخصوص کیخسرو، یکی از پادشاهان کیانی، بوده است (Suhrawardi, 2014, 11).
عرفان و تصوف	خداوند، سازنده انسان و آینه ها است که «در آفرینش انسان [...] بر بیرون و اندرون او مناسب صفات خداوندی آینه ها بر کار می نماند [...] پس هزارویک آینه، مناسب هزارویک صفت بر کار نهاد» (Razi, 2012, 72). همچنین در باور عرفانی، دل مؤمن، جایگاه نور خداست و بازتاب دهنده عیب های خود و دیگران است. آینه دل، آینه جان، آینه هستی نه تنها نشان نیک سیرتی شخص صوفی است بلکه نمادی از هر چیز روشن و پاک است (Sadri Afshar, 2009, 123).
اشعار فارسی	برخی ریشه لغوی آئینه را با استناد به شاهنامه که: «فرستاد از آن آهن تیره رنگ/ یکی آینه کرده روشن ز زنگ» (Ferdowsi, 2007, Vol. 6, 29) «آئینه» می دانند (میرزایی و مافی تبار، ۱۴۰۲، ۲). کاربرد انواع آینه رومی، چینی و سکندری... نشان دهنده اهمیت آینه ها و تأثیر آن بر ذهن و زندگی بشر است (ن. ک. فرخی، ۱۳۹۶). نظامی (۱۳۸۱، ج. ۲، ۱۱۱۰) شرح مبسوط و نمادینی از آینه سکندری در اسکندرنامه خود آورده است. سعدی به تأثیر «ها یا آه کردن» در آینه باور دارد: «تو روشن آینه ای ز آه دردمند بترس/ عزیز من که اثر می کند در آینه آه مولانا مرگ را به آینه تشبیه کرده از آن رو که آشکارکننده اعمال و نیت انسان است. آینه در مولانا بسامد بالایی دارد «پس خلیفه ساخت صاحب سینه ای/ تا بود شاهی را آئینه ای» (ن. ک. حیدری و خالقی زاده، ۱۳۹۴؛ Rumi, 2005, Vol. 6, 395) و بیدل دهلوی را شاعر آینه ها لقب داده اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶، ۳۲۳).
سحر و جادو	ساحران با نگرستن در آینه، به وسیله خود یا یک کودک، مدعی یافتن جای چیز یا شخص گم شده می شوند. این افراد را آینه بین، فال بین یا همان غیبگو می نامند. صائب سروده که «هر دم به صورت دگر آید به چشم خلق/ زان حسن بی قیاس چو جادوگر آینه». ترس ناشی از ساحره بودن آینه به انعکاس واقعی و گاه وارونه اشیا در آن باز می گردد (میرزایی و مافی تبار، ۱۴۰۲، ۶).
هنر و علوم دیگر	استفاده از آینه در بناها، هنری دینی و مظهر نور خداوند است. آینه کاری، به صورت اشکال هندسی، هنری کاملاً اسلامی است که در معماری کاربرد فراوانی دارد. قدیمی ترین آینه کاری دیوانخانه شاه طهماسب در قزوین است (Samsar & Zoka, 1988, 240). امروزه آینه نه تنها در معماری مدرن (تقوی، ۱۳۹۴، مقدمه) بلکه کاربردهای فراوانی در علوم مختلف چون درمان دارد. گرفتن آینه برای تشخیص نفس فرد بیهوش یا در حال احتضار یک امر پزشکی است. آینه های مشهور به «آینه دق» تکه ای ورق مسی برای مداوای بیماران رعشه بود. آینه بستن به پیشانی یا سر زخمی برای تسکین درد (Rezaee, 2002, 460). دور نگه داشتن فرد مبتلا به چشم درد یا رمه را از آینه برای بهبودی و استفاده آینه در گفتار درمانی، برای درمان لکنت زبان (Shahri, 1999, Vol. 2, 251).
باورهای مردمی	بیشتر مردم آن را سمبل برکت و خوش یمنی سال نو و نیک بختی می دانند که ناشی از باور زایش، پرخش و روشنایی، دارای تقدس و تعهد زوجین (مستوفی، ۱۴۰۱، ج. ۱، ۵۰۰) و جزو تزیینات خوش بینانه جشن ها (شاملو، ۱۳۸۱، ج. ۱، ۱۱۱) بوده است. دیدن عروس در آینه توسط داماد خوش یمنی و احترام (Masse, 1938/2008, Vol. 1, 92) و در برخی موارد شکسته شدن آینه عروس، خوش یمن نبوده است. مسافر در هنگام خروج از منزل سه بار از زیر آینه و قرآن می گذرد و سپس کاسه آبی پشت سرش پاشیده می شود (Mirdehghan & Azizi, 2019). کشتی گیران برای اینکه از حریف کم نیاورند به زانوها خود آینه می بستند (میرزایی و مافی تبار، ۱۴۰۲). شومی نگاه کردن به آینه در شب، دیوانه شدن، کوری در پیروی، کوتاه شدن عمر و فقر... در پی داشت (خلعتبری، ۱۳۸۷، ۱۰۰). برخی هنوز هم نگاه کردن مستقیم به آینه را نابخوب می پندارند و فرد مبتلا به چشم درد یا رمه را از آینه دور نگه می داشتند، چون معتقد بودند درد چشمش بیشتر خواهد شد (Shahri, 1999, Vol. 2, 251).
مذهبی - آیینی	نگاه کردن به ماه اول برج قمری و سپس نگاه کردن آب و آینه و گیاه، در باور خیلی از افراد متدین نیکو و خوش یمن است. در احرام بستن مناسک حج نگاه کردن در آینه به قصد زینت حرام است. (خامنه ای، ۱۳۸۵، ۴۱) است.
تزیینی - آرایشی	آینه از گذشته تاکنون وسیله گران قیمت و تشریفاتی و جزو وسایل زینتی و آرایشی زنان درباری بود. امروزه بیشتر زنان و دختران آینه های کوچک جیبی (کیفی) دارند. قاب آینه ها دارای تزیینات نقره/ طلاکاری و جواهرات گران بها بود. روی آن را با پارچه های گلدوزی شده یا توری می پوشاندند تا گردوغبار بر آن نشینند (Shahri, 1999, Vol. 2, 252).
ضرب المثل	آینه همچنین جایگاه ویژه ای در ضرب المثل و کنایات دارد مثلاً «آینه ات را گم کرده ای؟» در جواب شخص زشت رویی است که نسبت زشتی به دیگران می دهد (ibid., 255)؛ یا «آینه دست کور دادن» به شخص ناخلف پند دادن است (عقیقی، ۱۳۷۲، ج. ۱، ۹۷-۱۰۲).

جلوه های آینه در ژاپن

نام ژاپن، نیهون یا نیپون نیز به معنای «خاستگاه خورشید است و آفتاب تابان نماد این کشور، به شکل قرص سرخ خورشید بر پرچم کشور ژاپن نمایان است» (Javadi, 2020, 9). این ارتباط، حول پرستش خدایان ساکن در محیط طبیعی می چرخد و در معابد، نقش صلیب در کلیساها را ایفا می کند. در اساطیر و فرهنگ این سرزمین نمادی از خلوص و کمال روح است. روحی بدون آلودگی که بازتاب خود بر آگاهی است (Chevalier & Gheerbrant, 1969/2005, 326). باورهای

ژاپن سرزمین نمادها و نشانه های اساطیری و اسرارآمیزی است که پیوند نزدیکی با دست سازهای بشر، از جمله «آئینه» دارد. آینه، در لغت با کانجی کاگامی (鏡) به معنای ابزاری برای دیدن سایه ها و مناظر ایجاد شده توسط نور خورشید شناخته می شود. خورشید و آینه در فرهنگ ژاپن رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و نماد مهمی در آیین شینتو، مذهب بومی ژاپن است و برای انتقال مفهوم احترام و حق شناسی نسبت به طبیعت به کار می روند.

دو فرهنگ ایران و ژاپن مورد توجه بوده است و ریشه‌های کهن این اندیشه و کاربرد آن به آغازین اسطوره‌های شکل‌گیری خلقت باز می‌گردد. شبکه مفهومی و معنایی مؤلفه‌های مشترک آینه در این دو فرهنگ به صورت زیر خواهد بود (تصویر ۱).

نتیجه‌گیری

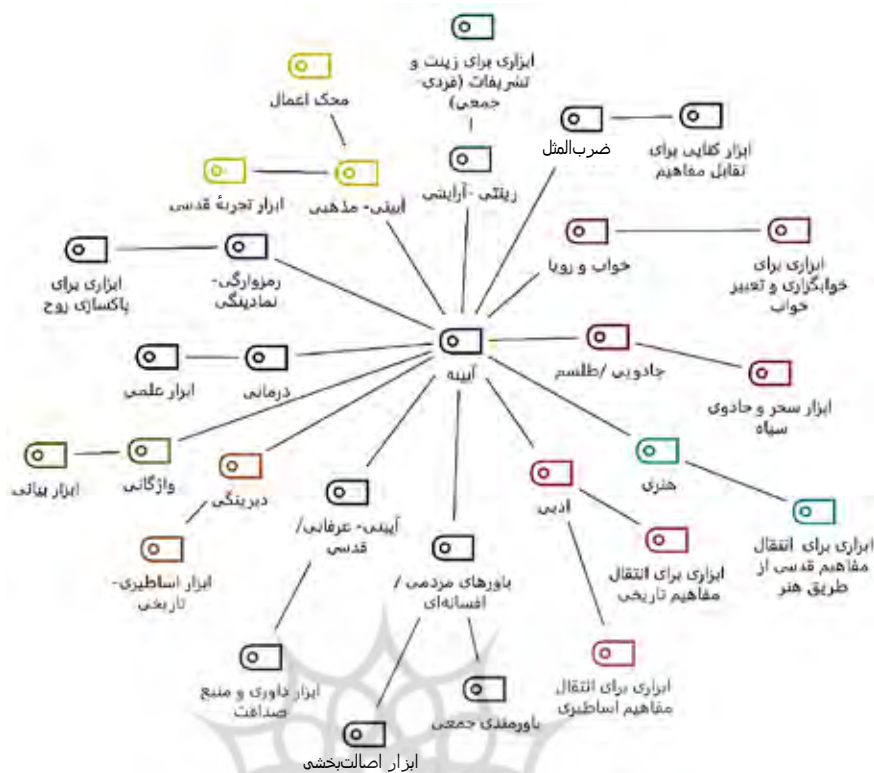
بررسی‌ها نشان داد که آئینه، چهره‌ای رمزی و اغلب نمادین از گذشته، حال و آینده بشر است که پیوند مستقیمی با زمان و

مردمی امروزه ژاپن درباره ارتباط آینه با خورشید و زندگی آنان از دل اساطیر، آیین‌ها و افسانه‌های مذهبی و عامیانه آنان شکل گرفته است. اهمیت آن در فرهنگ ژاپن تا آن جاست که هنوز هم این شیء ارزشی، مورد نگهداری در معابد و استفاده در مراسم مختلف به عنوان نمادی از خورشید است. برخی از مهمترین اشکال نمادین آینه و کاربرد آن در ژاپن در جدول ۲ آورده شده است.

در جدول ۱ و ۲، مشاهده شد که آینه و نقش نمادین آن در هر

جدول ۲. بررسی نمادینگی و کاربرد آینه در ژاپن. مأخذ: نگارندگان.

نمادینگی	خوشه معنایی
اسطوره و باورهای کهن	سه شیء، در فرهنگ ژاپنی، به عنوان گنجینه مقدس یا سانشو-نوجینی ^۱ و نماد امپراتوری شناخته می‌شوند که طبق اساطیر، «آماتراسو» آن‌ها را به نوه‌اش نینگی‌نومیکوتو می‌بخشد؛ یکی شمشیر کوسانگی به عنوان نماد قدرت امپراتور، دیگری جواهر یاساکانی (ماگاتاما) نماد خیرخواهی او و آخری آئینه یاتا نمایانگر خرد امپراتور. این آئینه جایگاه و نماد روان یا شینتای «آماتراسو» است که در مراسم آیین شینتویی نیز به کار می‌رود (Hall, 1974/2024, 5). طبق کوچیکی ^۲ و نیهون شوکی ^۳ ، در واقع خواسته آماتراسو از نوادگانش این بود تا هر روز، در مقابل آن زانو بزنند، به نعمت‌های بهشتی بیندیشند، اشتیاق و افکار شیطانی را از بین ببرند تا آن صفحه صیقلی، روح پاک و دوست داشتنی را در آنها بازتاباند (Hadland Davis, 1959, 191). او خطاب به نوه‌اش نینگی‌نومیکوتو می‌گوید: «آن را به عنوان روح من داشته باش و آن را بپرست، همان طور که در حضور من عبادت می‌کنی» (Philippi, 1968, 140) «این برایت آینه‌ای مقدس است» (Nardo, 1995/2022, 16). این آینه، معنای قهر آماتراسو و رفتن او به غار است که به ترغیب خدایان با ساختن و کار گذاشتن آن در جلوی غار او را بیرون می‌کشاند و با بازتاب نور آماتراسو، بار دیگر، روشنایی به جهان پرتو می‌افکند. این روایت اسطوره‌ای هنوز در قالب آینه‌ای هشت‌پر، در سر در برخی خانه‌ها و معابد که مربوط به این الهه است، بازتاب می‌شود. دلیل این کار این بود که در اسطوره آماتراسو، هشت سه‌خطی که بر آن کنده شده است، علامت هماهنگی و کمال است (Chevalier & Gheerbrant, 1969/2005, 328). امروزه نیز مردم باور دارند هنوز، آماتراسو، در آینه‌ای به نام یاتا-نوکاگامی در قلب معبد بزرگ ایسه، در استان میه ژاپن زندگی می‌کند. همچنین آینه‌ای، در نایکو یا معبد درونی و مقر مقدس الهه خورشید یا جد مقدس امپراتور نگهداری می‌شود که نماد خلوص، حقیقت و دانایی خدایان است و می‌توان با آن افکار انسان را پیشگویی کرد (Komakichi, 1936, 253).
هنر و دیگر علوم	آینه، اولین بار در دوره یابویی از چین به ژاپن آورده شد و تا قرن چهارم میلادی صنعتگران محلی آن را به همان سبک چینی تولید می‌کردند؛ اما رفته رفته ذوق و بدعت ژاپنی‌ها در تزئینات پشت آن رو به شکوفایی نهاد (Pashaei, 2020, 61).
آئینی - مناسک قدسی	آینه قدسی «چیزی را پنهان نمی‌کند بلکه بدون ذهنی خودخواه و مغرور می‌درخشد. هر چیز خوب و بد، درست یا غلط، بدون هیچگونه دخل و تصرفی در آن منعکس می‌شود. آینه منبع صداقت است، چراکه از فضیلت بازتاب مطابق با اصل شیء و چیزی که در آن می‌تابد، بهره‌مند است. آئینه بر عدالت و بی‌طرفی اراده الهی دلالت دارد» (Chikafusa, 1914, 22). بسیاری از آینه‌های قیمتی به عنوان تشریفات در گورها استفاده می‌شدند و باور داشتند ارواح خبیث را می‌مانند. نشان‌دهنده روان شخیص در گذشته و داور مردگان [اماتو] محسوب می‌شد (Hall, 1974/2024, 4 & 5). در کشف بقایای متعددی از اسکلت‌ها با آینه‌های بسته به کمرشان در کوفون کوروزوکا مشاهده شدند. امانو... هنگام قضاوت گناهکار، با آینه‌ای تمام گناهان مرده را نشان می‌دهد و آنها را قضاوت می‌کند (Roberts, 2009, 35).
مذهبی - آئینی	در بودایی «آینه قلب» به قلب پاک اشاره دارد. می‌گویند دل چون آینه، روشن و پاک است و می‌تواند همه چیز را روشن کند. «آینه جادویی» برای اولین بار در قرن سوم پس از میلاد به عنوان هدیه‌ای برای اربابان بزرگ وارد ژاپن شد و به شینجوکیو معروف شد. اما بیشترین استفاده از آن تنها در قرن هفدهم انجام شد و به عنوان وسیله‌ای عالی برای نامرئی‌کردن تصاویر مذهبی از مؤمنان کاتولیک بود (Rodríguez, 2024).
باورهای مردمی	ژاپنی‌ها به روح زنانه آینه باور دارند. گفته می‌شود «...» در آینه رازی هست که سرانجام آشکار خواهد شد. «...» روح آینه چنان که همیشه در افسانه‌ها می‌آید، زنی است و آینه، روح زن است» (Piggott, 1969/2022, 230). این مفهوم در واقع گفته‌ای استعاری است که چینی‌ها برای شخصیت‌بخشی به روح، در پشت بسیاری از آینه‌های مفرغی حک می‌کردند (Hearn, 2004/2016, 38).
ادبیات و افسانه‌ها	آئینه در ادبیات ژاپن و افسانه‌های آن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ برای نمونه در داستان «آینه جادویی» راز آتشفشان فوجی و ارزش آینه را بیان می‌کند. «کوه فوجی ابتدا کوهی بی‌خطر بود. سال‌ها بعد پیرمردی نوزادی را در سرایشی کوه پیدا کرد. پیرمرد، آن دختر را که کاگویاهینه نامیده شد به عنوان دخترش بزرگ کرد. با گذشت زمان، زیبایی او دوجندان شد تا امپراتور عاشقش شد و با او ازدواج کرد. کاگویاهینه [...] به همسرش گفت که فانی نیست و باید به آسمان بازگردد [...] آئینه‌ای به او داد تا برای همیشه چهره زیبایی‌اش را نشان دهد. امپراتور با دل شکسته شروع به بالا رفتن از کوه فوجی کرد. او می‌خواست به همسرش در بهشت پیوندد [...] اما وقتی به قله رسید، نتوانست او را پیدا کند. عشق او آنقدر بزرگ بود که مانند آتشی درخشان از سینه‌اش فوران و آتشفشان را روشن کرد» (Roberts, 2009, 41 & 42). افسانه «دختر آینه» نیز، باوری از روح زنانه، اصالت، نژاد باوری و قدرت پیشگویی و محافظت را توصیف کرده است (Piggott, 1969/2022, 228-232).
سحر و جادو	یک تسوکوموگامی (ابزارهایی که بعد از گذر حداقل ۱۰۰ سال کامی با روح به دست آورده‌اند) است که در کتاب هیاکو تیزوروزور بوکورو به معنای کیسه مصور صد شیطان تصادفی یا انبوهی از وسایل خانه خالی از سکنه، توسط توریاما سکین به تصویر درآمده است. این آینه تسخیر شده بازتاب هیولایی هر شخصی که به آن نگاه کند را انعکاس می‌دهد. سکین اشاره می‌کند که «چیزی که شما کیو (آینه جادویی) که هویت واقعی شیطانی را آشکار می‌کند) نامیده می‌شود بسیاری از چیزهای اسرارآمیز را منعکس می‌کند» (Sekien 1805, 4).
ضرب المثل	در ضرب‌المثلی بودایی است که: «گل افتاده دیگر به شاخه باز نمی‌گردد؛ آینه شکسته دیگر هرگز انعکاسی را نشان نمی‌دهد» (Hearn, 2004/2016, 102).



تصویر ۱. شبکه مفاهیم و معانی آینه در دو فرهنگ ژاپن و ایران. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

۱. Archetype
۲. گلاله هنری (۱۳۹۸) درباره آینه در دانشنامه فرهنگ ایران آورده است که آگین و آگینه از پهلوی اونگ درباره آینه برگرفته از شکل باستانی آن آدینک است (Mackenzie, 1971/2012; Bartholomae, 2004). همچنین مهرداد بهار نیز واژه اونگ (ewenag) پهلوی به معنای شکل و قالب را به واژه آینه برگردانده است. اگر دو واژه اونگ و آینک (ayenak) هم‌ریشه باشند می‌توان ارتباط و حدود معنایی نزدیک آن‌ها را با آینه و آیین دریافت (Farahvashi, 2018, 17).
۳. فناوری مورد نیاز برای ریخته‌گری آینه‌های فلزی در حدود دوره یابویی (حدود قرن سوم قبل از میلاد تا قرن سوم میلادی) از چین به ژاپن معرفی شد و قدیمی‌ترین آینه‌های ژاپنی تحت‌تأثیر آن بود. آینه‌های فلزی در ژاپن تا قرن نوزدهم یعنی هنگامی که ژاپن مرزهایش را به روی جهان گشود و از انزوا دست کشید، ساخته می‌شد. پس از آن ژاپن هم مانند سایر کشورها آینه‌های شیشه‌ای را جایگزین آینه‌های فلزی کرد (ترافی به نقل از گریگوری، ۱۴۰۳).
۴. Sanshu no Jingi: 三種の神器
۵. The Kojiki
۶. Nihon shoki
۷. افسانه جیگو کودایو جیگو کودایو زنی از طبقه کورتیزان بود. او در برخی باسهم‌های ژاپنی در مقابل آینه‌های تصویر می‌شود که متعلق به اِماثو، خدای جهنم است (Roberts, 2009, 62).

فهرست منابع

- انوری، مجتبی و محمدلی، شیرین. (۱۳۸۲). دانشنامه ایران‌شناسی (برگزیده مقالات تحقیقی درباره تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران). ستاوند یزد.
- بهمنی، پردیس و صفاران، الیاس. (۱۳۸۹). سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران. دانشگاه پیام نور.
- بهنام‌فر، محمد. (۱۳۸۷). وحی دل مولانا: دریافت‌های عرفانی

بقا دارد. این شیء اسرارآمیز و ارزشی با گذر از اساطیر و تاریخ همچنان در زندگی مردم حضور و نقش دارد و چه بسا آینه آیندگان باشد که بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های زمانی-مکانی وضعیت حال و گذشته را نشان دهد و به انسان‌ها یادآور شود در هر کجای جهان نه گذشته‌ای و نه آینده‌ای نیست؛ بلکه حال، دیروز فردای ملت‌هاست.

آینه در هر دو فرهنگ ایران و ژاپن به شکل رمزی در ارتباط با خورشید قرار دارد که بعد از عبور از چرخه‌های کمال، فرد را به خودآگاهی می‌رساند. همچنین تراگونگی و تحول این دست‌سازه، آن را یک ابزار کاربردی در حوزه معنایی-مفهومی قرار می‌دهد که در فرهنگ‌های مختلف نیز جایگاه ویژه‌ای را به صورت مثبت یا منفی به خود اختصاص داده است. همچنین در زیست فردی و جمعی مردم این دو سرزمین با نقشی پر رنگ اثر داشته و همچنان به صورت عینی و نمادین مورد استفاده است. بنابراین با توجه به همسانی‌های مفهومی کاربردی آن در دو کشور، این شیء ارزشی می‌تواند نقشی مهم در تبادل فرهنگی و ایجاد بنیانی محکم‌تر در روابط میان ملت‌ها با عنوان «نماد پاک، صلح و روشنایی بخشی» داشته باشد.

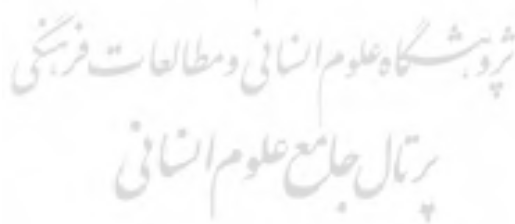
اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچگونه تعارض منفعی برای آن‌ها وجود نداشته است.

- Chikafusa, K. (1914). *Jinno shotoki* [神皇正統記]. Tokyo Yuhodo.
- Christensen, A. E. (2006). *Hinsides det Kaspiske Hav: Fra en Orientrejse ved krigens udbrud* (M. Ahadzadegan Ahani & A. Alfoneh, Trans.). Tahoori. (Original work published 1918)
- Dadeqi, F. (2011). *Bundahishn* (M. Bahar, Trans.). Toos Book.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda dictionary*. University of Tehran.
- Eliade, M. (2014). *Images et symboles* (M. K. Mohajer, Trans.). Mehromah Publication, Parseh Book. (Original work published 1991)
- Esmailpour Motlagh, A. (2020). *Myth: the symbolic expressions*. Soroush.
- Farahvashi, B. (2018). *Jahan Faravari*. University of Tehran.
- Ferdowsi, A. (2007). *Shahnameh* (Vol. 3, J. Khaleghi-Motlagh, Ed.). Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Gardner, H. (2012). *Art through the ages* (M. N. Faramarzi, Trans.). Negah. (Original work published 1986)
- Ghirshman, R. (1993). *L'Iran des origines a l'Islam* [Iran from the earliest times to the Islamic conquest] (M. Mo'in, Trans.). Elmi Farhangi. (Original work published 1976)
- Hadland Davis, F. (1959). *Legends and Myths of Ancient Japan*. Thomas Y. Crowell publisher.
- Hall, J. (2024). *Dictionary of subjects and symbols in art (East and West)* (R. Behzadi, Trans.). Farhang Moaser. (Original work published 1974)
- Hearn, L. (2016). *Kwaidan: Stories and studies of strange things* (Z. Ni-Chin, Trans.). Nafir. (Original work published 2004)
- Javadi, S. (2020). How the world views solar deities. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 8(30), 5–14. <https://doi.org/10.22034/jaco.2020.211484.1130>
- Jung, C. G. (1998). *Man and his symbols* (M. Soltanieh, Trans.). Jami. (Original work published 1964)
- Komakichi, N. (1936). *The true face of Japan*. Jarrolds.
- Lang, A. (2010). *The green fairy book* (A. A. Khodaparast, Trans.). Hirmand. (Original work published 2007)
- Mackenzie, D. N. (2012). *A concise Pahlavi dictionary* (M. Mirfakhraei, Trans.). Institute for Humanities and Cultural Studies. (Original work published 1971)
- Masse, H. (2008). *Croyances et coutumes persanes* [Iranian beliefs and customs (From the Safavid era to the Pahlavi period)] (M. Roshan-Zamir, Trans.). Shafiei.
- مولوی از آیات قرآن در مثنوی. به نشر.
- تقوی، ناهید. (۱۳۹۴). بررسی حکمت هنر آینه‌کاری در معماری اسلامی (نمونه موردی: خانه‌های قدیمی اردبیل). کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز. <https://civilica.com/doc/409916/>
- حیدری، طاهره و خالق‌زاده، محمدهادی. (۱۳۹۴). آینه و اشارات آن در مثنوی معنوی مولانا. کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز. <https://civilica.com/doc/399103/>
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵). مناسک حج مطابق با فتوای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه). مشعر.
- خلعتبری، مصطفی. (۱۳۸۷). فرهنگ مردم تنکابن. پازینه.
- سجادی، جعفر. (۱۴۰۱). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. طهوری.
- سمسار. محمدحسن. (۱۳۴۲). آیین و سرگذشت آن. هنر و مردم، (۱۴)، ۲۳–۳۵. <https://sl1nk.com/B33h5>
- شاملو، احمد. (۱۳۸۱). کتاب کوچه. مازیار.
- شجاعی، حیدر. (۱۳۹۶). نمادشناسی تطبیقی (۱) انسان (صفات، ویژگی‌ها، ابزار، متعلقات و...). شهر پدram.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). شاعر آینه‌ها. سپهر خرد.
- عقیقی، رحیم. (۱۳۷۲). فرهنگنامه شعری. سروش.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی. (۱۳۹۶). دیوان اشعار. پیدایش.
- مستوفی، عبدالله. (۱۴۰۳). شرح زندگانی من. هرمس.
- میرزایی، فاطمه و مافی تبار، آمنه. (۱۴۰۲). بازیابی مفاهیم نمادین آینه در فرهنگ عامه ایران. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۶ (۱)، ۱–۱۴. <http://asscs.ir/post.aspx?Id=803>
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۱). کلیات نظامی گنجوی. سپهر ادب.
- هنری، گلاره. (۱۳۹۸). آینه، دانشنامه فرهنگ مردم ایران. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان وارها در ادبیات فارسی. فرهنگ معاصر.
- Ameri, Z., & Panahi, M. (2015). The reflection of "Mirror" Symbol in Myth & Mysticism According to Bundahishn and Mersad al-ebad. *Mystical Literature*, 7(13), 143-174. <https://doi.org/10.22051/jml.2016.2494>
- Anuse, H. (1996). *Encyclopedia of Persian Literature* (Vol. 2). Daneshnameh.
- Attar Neishabouri, F. (2008). *The conference of the birds* (M. R. Shafi'i-Kadkani, Ed.). Sokhan.
- Bartholomae, C. (2004). *Altiranisches Worterbuch: Zusammen mit zum altiranischen Worterbuch* (B. Gharib, Ed.). Asatir. (Original work published 1904)
- Bilsker, R. (2020). *On Jung* (H. Payande, Trans.). Morvarid. (Original work published 2002)
- Chevalier, J., & Gheerbrant, A. (2005). *Dictionnaire des symboles: mythes, rêves, coutumes* [Dictionary of Symbols: Myths, Dreams, Customs] (S. Fazayeli, Trans.). Jaihoon Publication. (Original work published 1969)

(Original work published 1938)

- Mirdehghan, S. F., & Azizi, H. (2019). Study of symbolic motifs in mirroring (Aina-Kari) of Qajar houses in historical texture of Yazd City. *Archaeological Research of Iran*, 9(20), 203–223. <https://doi.org/10.22084/nbsh.2019.18315.1888>
- Nardo, D. (2022). *Traditional Japan* (P. Sayyadi, Trans.). Qoqnoos. (Original work published 1995)
- Pashaei, A. (2020). *Encyclopedia of Japanese art*. Dibache.
- Philippi, D. L. (Ed. & Trans.) (1968). *Kojiki*. University of Tokyo Press.
- Piggott, J. (2022). *Japanese mythology* (M. H. Bajelan Farrokhi, Trans.; 4th ed.). Asatir Publication. (Original work published 1969)
- Pournamdarian, M. T. (2010). *Taqi pournamdarian. symbolism & symbolic stories*. Elmi va Farhangi Publishing.
- Razi, N. D. (2012). *The path of God's bondsmen from origin to return* (M. A. Riahi, Ed.). Elmi va Farhangi Publishing.
- Rezaee, J. (2002). *Birjand nameh*. Hirmand.
- Roberts, J. (2009). *Japanese mythology A to Z*. Infobase Publishing.
- Rodríguez, S. (2024). *Mirrors of Jesus Christ. Heralds of The Gospel*. Retrieved April 16, 2025, from <https://catholicmagazine.news/mirrors-of-jesus-christ>
- Rumi, J. M. (2005). *Masnavi*. Sarab Niloufar, Soume'eh.
- Sadri Afshar, Gh. (2009). *A Persian Encyclopedic dictionary*. Farhang Moaser.
- Samsar, M., & Zoka, Y. (1988). *Encyclopaedia Islamica* (Vol. 2). Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Sekien, T. (1805). *Hyakki tsurezurebukuro* (Vol. 3). Maekawa Yahei. <https://doi.org/10.5479/sil.892808.39088018214106>
- Shahri, J. (1999). *The Social History of Tehran in the 13th Century*. Rasa Books.
- Suhrawardi, Sh. (2014). *'Aql-e sorq* [The crimson intellect]. Mola.
- Vanden Berghe, L. (2012). *Archéologie de l'Iran ancien* (I. Behnam, Trans.). University of Tehran Press. (Original work published 1959)



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
شمشیرگران، زهره و شکاری، پرنیان. (۱۴۰۴). واکاوی نقش نمادین آیین در فرهنگ ایران و ژاپن به‌عنوان ابزار زیست صلح‌آمیز و روشنایی‌بخشی. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۳ (۵۰)، ۱۴-۲۱.

DOI: [10.22034/jaco.2025.517489.1468](https://doi.org/10.22034/jaco.2025.517489.1468)

URL: https://www.jaco-sj.com/article_228711.html?lang=fa

